

علم زبان؛ سال ۶، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

انواع تناوب‌های دوسویه در فارسی

۱- مریم قیاسوند*؛ ۲- امید طبیب‌زاده**

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲- استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷)

چکیده

هر تناوب به‌عنوان جفت جملاتی با ساختارهای کمابیش متفاوت تعریف می‌شود که معنی یکسانی دارند. محدودیت‌هایی که تناوب‌ها بر افعال اعمال می‌کنند به ویژگی‌های معنایی افعال حساس‌اند. از این‌رو، تناوب‌ها را می‌توان به‌عنوان معیاری برای طبقه‌بندی افعال به روشی مؤثر به کار گرفت. لوین با معرفی ۷۹ تناوب موضوعی و برر سی آن‌ها بر ۳۰۲۴ فعل انگلیسی، افعال انگلیسی را به ۴۹ طبقه معنایی گسترده و ۱۹۲ ریزطبقه دسته‌بندی کرد. به اعتقاد لوین، افعالی که طبق رفتار مشترک‌شان در تناوب‌ها در یک طبقه قرار می‌گیرند، مؤلفه‌های معنایی مشترکی دارند. این مقاله به برر سی یکی از انواع تناوب‌های معرفی شده تو سط لوین با عنوان تناوب‌های دوسویه پرداخته است که خود شامل چندین نوع تناوب می‌شود. یکی از این تناوب‌ها با عنوان «تناوب مفعول دوسویه قابل‌درک» در دسته‌بندی لوین در زمره تناوب‌های گذرایی معرفی شده است. تناوب‌های گذرایی شامل تناوب‌هایی می‌شود که گذرایی فعل در دو ساخت تناوبی تغییر می‌کند. انواع دیگر تناوب‌های دوسویه که لوین معرفی کرده است، تناوب‌هایی‌اند که بدون تغییر در گذرایی فعل رخ می‌دهند. این تناوب‌ها عبارتند از «تناوب دو سویه ساده»، «تناوب دو سویه باهم» و «تناوب دوسویه/زهم». با بررسی تناوب‌های لوین بر پیکره‌ای بالغ بر ۳۰۷۰ فعل فارسی اعم از افعال مرکب و ساده دریافتیم که همه انواع این تناوب‌ها در فارسی نیز وجود دارند. در ادامه به بررسی تناوب‌هایی پرداختیم که نگارندگان با توجه به ویژگی‌های برخی از افعال فارسی شناسایی و معرفی کرده‌اند. این تناوب‌ها عبارتند از «تناوب دوسویه زنجیری» و «تناوب دوسویه اشتراکی».

کلیدواژه‌ها: تناوب موضوعی، تناوب فعلی، انواع تناوب دوسویه، طبقه افعال.

* E-mail: ghiasvandmaryam@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: omid-tabibzadeh@ihcs.ac.ir

۱. مقدمه

بسیاری از افعال می‌توانند در ساخت‌های چندگانه نحوی حضور یابند، اما برخی از جفت‌ساخت‌ها، فعل‌های خاصی را شامل می‌شوند که به‌لحاظ زبانی برجستگی خاصی نسبت به بقیه دارند و مورد مطالعه هستند. این ساخت‌ها دارای ویژگی‌های خاصی‌اند، از جمله این‌که فعل در این ساخت‌ها معنی اصلی‌اش را حفظ می‌کند. این ساخت‌ها به‌لحاظ معنایی با هم هم‌پوشانی دارند و به نوعی می‌توان یک ساخت را به‌لحاظ معنایی زیرمجموعه دیگری دانست. دوم این‌که بیشتر و نه همه موضوعات یکسان فعل در هر دو ساخت بیان می‌شوند، اما به شکلی متفاوت. سوم این‌که به‌رغم همه تفاوت‌ها هیچ تغییری در صورت فعل پدید نمی‌آید؛ به این معنی که هیچ عنصر صرفی به آن افزوده نمی‌شود و چهارم این‌که افعالی که در جفت ساخت‌های یکسانی حضور می‌یابند، ظاهراً مؤلفه معنایی مشترکی با هم دارند و می‌توانند در یک طبقه فعلی قرار بگیرند (Levin, 2015). پس، این ویژگی که به افعال اجازه می‌دهد در دو ساخت مختلف حضور یابند بیانگر این است که رابطه نظام‌مندی بین این دو ساخت و فرایندهای زبانی منظم وجود دارد. به این پدیده تناوب موضوعی یا تناوب فعلی^۱ می‌گویند. به ساخت‌های نحوی که یک تناوب را ایجاد می‌کنند، گونه^۲ گفته می‌شود.

- (1) a. Anne met Cathy.
b. Anne and Cathy met.

(۲) الف. مریم زهرا را ملاقات کرد.

ب. مریم و زهرا ملاقات کردند.

^۱ argument alternation

^۲ verb alternation

^۳ variant

همان‌طور که در جملات فوق مشاهده می‌شود، فعل «ملاقات کردن» در هر دو گونهٔ تناوب معنی خود را حفظ کرده است. این تناوب که از جمله تناوب‌های گذرایی است، با تغییر ظرفیت فعل همراه است. فعل دوظرفیتی در گونهٔ دوم تناوب با ساخت تک‌موضوعی حضور می‌یابد و مفعول کنش‌پذیر گونهٔ اول تناوب (زهرا)، در گونهٔ دوم در جایگاه فاعلی ظاهر می‌شود، اما ضمیری همچون *each other* در انگلیسی و «همدیگر» در فارسی با نقش معنایی کنش‌پذیر از معنای فعل قابل درک است.

لوین (۱۹۹۳) رابطه بین معنی و رفتار نحوی را در ارتباط با حدود ۳۰۲۴ فعل انگلیسی بررسی کرد و برای افعال با توجه به شرکت یا عدم شرکت‌شان در تناوب-های نحوی، طبقاتی معنایی ایجاد کرد. این پژوهش به بررسی یکی از انواع تناوب‌های موضوعی با عنوان تناوب دوسویه در افعال فارسی می‌پردازد. تناوب‌های دوسویه خود شامل چندین نوع تناوب‌اند؛ یکی از این تناوب‌ها با عنوان تناوب مفعول دوسویه قابل‌درک در دسته‌بندی لوین در زمرهٔ تناوب‌های گذرایی معرفی شده است. تناوب‌های گذرایی شامل تناوب‌هایی می‌شوند که ساخت ظرفیتی فعل در دو گونهٔ تناوبی تغییر می‌کند (نمونه ۱۴۴). انواع دیگر تناوب‌های دوسویه که لوین معرفی کرده است، تناوب‌هایی‌اند که بدون تغییر در گذرایی فعل رخ می‌دهند. این تناوب‌ها عبارتند از تناوب دوسویهٔ ساده،^۱ تناوب دوسویهٔ باهم^۲ و تناوب دوسویهٔ /زهم^۳ که لوین با بررسی آن‌ها در افعال گذرا و ناگذرا به طور جداگانه به شش

^۱ transitive alternations

^۲ simple reciprocal alternation

^۳ together reciprocal alternation

^۴ apart reciprocal alternation

زیرطبقهٔ تناوبی اشاره کرده است: تناوب‌های دوسویهٔ ساده گذرا، دوسویهٔ ساده ناگذرا، دوسویهٔ باهم گذرا، دوسویهٔ باهم ناگذرا، دوسویهٔ ازهم گذرا و دوسویهٔ ازهم ناگذرا. با بررسی تناوب‌های لوین بر پیکره‌ای بالغ بر ۳۰۷۰ فعل فارسی اعم از افعال مرکب و ساده دریافتیم که تمام انواع این تناوب‌ها در فارسی نیز وجود دارند. انتخاب افعال در ابتدا بر اساس شمّ زبانی نگارندگان و در مرحلهٔ بعد بر اساس جستجوی شواهد در اینترنت بوده است. در پژوهش حاضر، علاوه بر این تناوب‌ها به بررسی دو نوع دیگر از این دسته تناوب‌ها که در دسته‌بندی لوین ذکر نشده است، با عنوان تناوب دوسویهٔ زنجیری^۱ و تناوب دوسویهٔ اشتراکی^۲ نیز پرداخته^۳ و سپس طبقات افعال شرکت‌کننده در هر کدام از تناوب‌ها را نیز مشخص کرده‌ایم.

در بخش دوم مقالهٔ حاضر، پژوهش‌های مرتبط با تناوب‌های فعلی در فارسی را مرور خواهیم کرد. بخش سوم به معرفی و بررسی انواع تناوب‌های دوسویهٔ رایج در فارسی اختصاص دارد و در بخش چهارم جمع‌بندی مختصری از تحقیق انجام‌شده خواهیم داشت.

۲. پیشینهٔ پژوهش

از جمله پژوهش‌ها در زمینهٔ تناوب‌ها در فارسی می‌توان از صفری و کریمی‌دوستان (۱۳۹۰) نام برد. صفری و کریمی‌دوستان در این مقاله اثرکلی/جزئی در تناوب مکانی را بررسی کردند. صفری و کریمی‌دوستان (۱۳۹۲) نیز در مقاله «تناوب سببی

^۱ chaining

^۲ collective

^۳ اصطلاحات chaining و collective را لیختن‌برک (۱۹۸۵) در معرفی برخی انواع ساخت‌های دوسویه در انگلیسی به کار برد. ما نیز در معرفی تناوب‌های حاصل از ساخت‌های مذکور از همین اصطلاحات بهره بردیم.

در فارسی، تناوب سببی را در چارچوب رویکرد واژگانی- ساخت‌مند^۱ بررسی کرده‌اند. طبیب‌زاده در سه مقاله (۱۳۹۳، ۱۳۹۵ الف، ب) به بررسی تناوب‌های گذرایی در فارسی پرداخته است. او در یکی از این مقاله‌ها (۱۳۹۳) دو تناوب اشتقاقی پرکاربرد در زبان فارسی یعنی تناوب «آغازی/سببی» و تناوب «معلوم/مجهول» را برگزیده و ملاک‌هایی برای شناسایی آن‌ها ارائه کرده است. شجاعی و کریمی‌دوستان (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای رویکردهای مختلف واژگان‌گرا و نقطه‌نظرات آن‌ها را در ارتباط با تناوب سببی بررسی کرده‌اند. قیاسوند (۱۳۹۴) سعی در بررسی تناوب‌های فاعل فرعی بر اساس طبقه‌بندی لوین در مورد افعال فارسی داشته است. صفری (۱۳۹۵) نیز در مقاله «تناوب مکانی در زبان فارسی»، ویژگی‌های نحوی و معنایی تناوب مکانی در فارسی را برشمرده است. باوجوداین، در رابطه با انواع تناوب‌های دوسویه در فارسی تحقیقی صورت نگرفته است. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌تواند در درک بهتر رفتار افعال در این تناوب و در نهایت، طبقه‌بندی معنایی افعال فارسی مفید باشد.

۳. انواع تناوب‌های دوسویه

تناوب‌های دوسویه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته نخست، تناوب‌هایی که ساخت ظرفیتی فعل را تغییر می‌دهند، مانند مثال (۳) که در گونه اول تناوب، ساختار جمله عبارت است از فاعل کنش‌گر «مریم»، مفعول کنش‌پذیر «زهرا» و فعل، اما در گونه دوم تناوب مفعول کنش‌پذیر «زهرا» در جایگاه فاعلی با نقش معنایی کنش‌گر حضور یافته است و فعل با ساخت تک‌موضوعی در گونه دوم تناوب حضور دارد. ضمیر «همدیگر» با نقش معنایی کنش‌پذیر از معنای فعل قابل درک است. فعل در هر دو گونه تناوب معنی و صورت ساخت‌واژی یکسانی دارد.

^۱ Lexical-Constructional Approach

(۳) الف. مریم زهرا را ملاقات کرد.

ب. مریم و زهرا ملاقات کردند.

(۴) الف. مریم با زهرا ملاقات کرد.

ب. مریم و زهرا با هم ملاقات کردند.

دسته دوم، تناوب‌هایی‌اند که در آن‌ها ساخت ظرفیتی فعل بدون تغییر باقی می‌ماند و تناوب بین موضوعاتی رخ می‌دهد که درون گروه فعلی واقع‌اند. فعل «ملاقات کردن» از زمره افعالی در فارسی است که در هر دو نوع گذرایی و ناگذرایی تناوب دوسویه شرکت می‌کند. در نمونه (۴) فعل در هر دو گونه تناوب با ساختی تک‌ظرفیتی حضور دارد. تنها تفاوت گونه اول با گونه دوم در نمونه (۴) این است که مفعول حرف اضافه «با» در گونه اول تناوب یعنی «زهرا»، در گونه دوم به اتفاق فاعل کنش‌گر این ساخت (مریم) در جایگاه فاعلی حضور می‌یابد و شاهد حضور فاعل جمع با نقش معنایی کنش‌گر هستیم. این دسته از تناوب‌ها با توجه به حضور یا عدم حضور متمم قیدی «باهم» یا «ازهم» (در افعالی مثل جداکردن) به انواعی تقسیم می‌شوند که در بخش (۳-۲) معرفی خواهند شد. لوین تناوب نوع اول را در دسته تناوب‌های گذرایی معرفی کرده که یکی از انواع تناوب‌های گذرایی، همین تناوبی است که در آن مفعول دوسویه فعل حذف می‌شود. در تناوب‌های نوع دوم که در موضوعات گروه فعلی رخ می‌دهد، گذرایی فعل در تناوب بدون تغییر باقی می‌ماند. در ادامه به بررسی این دو نوع از تناوب خواهیم پرداخت.

۱-۳. تناوب گذرایی مفعول دوسویه قابل درک

همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، این تناوب از انواع تناوب‌های گذرایی است. در این تناوب‌ها در یک گونه تناوب با ساخت گذرا و در گونه دوم با ساخت ناگذرا مواجه هستیم. در این تناوب، مفعول گونه گذرا و فاعل گونه ناگذرا، رابطه معنایی یکسانی با فعل دارند، با این تفاوت که گونه ناگذرا در این تناوب‌ها دارای مفعولی مستتر

است. این مفعول مستتر، ضمیر دوسویه «همدیگر» است. این تناوب را به شکل زیر نمایش می‌دهیم:

گروه اسمی ۱ (کنش‌گر) + گروه اسمی ۲ (کنش‌پذیر) + فعل

گروه اسمی (گروه اسمی ۱ + و + گروه اسمی ۲) (کنش‌پذیر) + فعل (دارای مفعول مستتر همدیگر)
در گونه ناگذرای این تناوب، عمل فعل مفهوم ضمائر دوجانبه (مثل یکدیگر، هم و همدیگر) در نقش مفعول را القا می‌کند (برای مآخذ بیشتر رک. Levin 1993: ۳۶-۳۷). فاعل در گونه ناگذرای این افعال محدودیت‌هایی دارد؛ همه شرکت‌کنندگان در عمل باید از وضعیت یکسانی برخوردار باشند، مثلاً در فعل «ملاقات کردن» باید هر دو اسم جاندار باشند. فاعل در فارسی یا به صورت دو اسم هم‌پایه به کار می‌رود، یا به صورت جمع و بدون ضمیر دوجانبه، یا به صورت جمع و با ضمیر دوجانبه (نمونه ۶) (طبیب‌زاده، ۱۳۹۵) که از بین این جملات، گونه (الف) و (ب) ساخت‌های تناوبی‌اند. تنها فعلی که در فارسی در این تناوب شرکت می‌کند، فعل «ملاقات کردن» است:

(5) a. Anne met Cathy.

b. Anne and Cathy met. (Levin, 1993, p. 37)

الف. مریم رضا را ملاقات کرد.

ب. مریم و رضا ملاقات کردند.

ج. آن‌ها همدیگر را ملاقات کردند.

د. مریم و رضا همدیگر را ملاقات کردند (طبیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۷۶).

الف. مادر دخترک را بغل کرد.

ب. *مادر و دخترک همدیگر را بغل کردند.

ج. دخترک مادر را بغل کرد.

شاید به نظر برسد افعالی نظیر «بغل کردن» و «درآغوش گرفتن» نیز می‌توانند در این تناوب شرکت کنند، اما لازم است به این نکته توجه شود که شرط شرکت افعال در این تناوب وجود تقارن و همزمانی است. جمله (۷ الف) لزوماً بیانگر مفهوم جمله (۷ ب) یا (۷ ج) نیست؛ فرد می‌تواند شیء یا شخصی را در آغوش بگیرد، بی‌آن‌که در آغوش گرفته شود. وینتر تقارن را چنین تعریف می‌کند: «گزاره دوسویه R را متقارن می‌نامند، اگر برای هر کدام از شرکت‌کنندگان x و y گزاره $R(x;y)$ با $R(y;x)$ معادل باشد» (Winter, 2018: 1-2). در رابطه با فعل «ملاقات کردن» ما با دو جمله متقارن زیر روبرو هستیم، اما در رابطه با فعل «بغل کردن» چنین تقارنی وجود ندارد:

(۸) علی مریم را ملاقات کرد ⇔ مریم علی را ملاقات کرد.

(۹) مادر دخترک را بغل کرد ≠ دخترک مادر را بغل کرد.

جمله‌های متقارن رابطه ساخت‌واژی - نحوی نظام‌مندی با جمله‌هایی دارند که در آن‌ها فاعل به صورت جمع حضور دارد (نمونه ۱۰)؛ به این معنا که این جملات، قابلیت جایگزینی با جمله‌ای متناظر با فاعل جمع و مفهوم دوسویگی را دارند و عکس آن نیز صادق است، یعنی همان تناوبی که در ابتدای همین بخش معرفی کردیم. به عبارت دیگر، در جمله‌های متقارن، تناوب بین دو ساخت الف و ب زیر برقرار است:

(۱۰) الف. علی مریم را ملاقات کرد ⇔ مریم علی را ملاقات کرد.

ب. علی و مریم (همدیگر) را ملاقات کردند.

ج. علی و مریم (همدیگر) را ملاقات کردند = علی مریم را ملاقات کرد (مریم علی را

ملاقات کرد).

جمله‌های نامتقارن^۱ با افعالی مثل «بغل کردن»، «در آغوش گرفتن» و جز آن نیز با این‌که همانند جمله‌های متقارن می‌توانند در ساختی با فاعل جمع حضور یابند (نمونه ۱۱ب)، اما این جمله را باید متمایز از جملات «مادر دخترک را بغل کرد و دخترک مادر را بغل کرد» دانست:

(۱۱) الف. مادر دخترک را بغل کرد \neq دخترک مادر را بغل کرد.

ب. مادر و دخترک همدیگر را بغل کردند.

ت. مادر و دخترک همدیگر را بغل کردند \neq مادر دخترک را بغل کرد (دخترک مادر را بغل کرد)

فرض کنید مادر، دخترک را وقتی او خواب بوده بغل کرده است و بعداً دخترک او را بغل کرده است. در این بافت، جمله «مادر دخترک را بغل کرد (دخترک مادر را بغل کرد)» درست است، ولی جمله «مادر و دخترک همدیگر را بغل کردند» نادرست است. از این‌رو، در رابطه با افعالی چون «بغل کردن»^۲ با عدم تقارن و همزمانی مواجهیم.

جدا از شرط تقارن و هم‌زمانی برای حضور افعال در این تناوب، با افعالی مواجه می‌شویم که به رغم دارا بودن این شرایط نمی‌توانند ساخت تناوبی ایجاد کنند. افعالی مثل «همراهی کردن»، «دیدن (در معنای ملاقات کردن)» و «گم کردن»، به این علت که نمی‌توانند مفعول دوسویه مستتر داشته باشند و نیاز دارند که در گونه دوم تناوب ضمیر «همدیگر» را آشکارا بیان کنند، افعال تناوبی نیستند (نمونه ۱۲).

^۱ non-symmetric predicates

^۲ این افعال را در بخش تناوب‌های زنجیری (۳-۲-۷) بررسی خواهیم کرد.

به نظر می‌رسد، فعل «ملاقات کردن» از آن جهت قادر به شرکت در این تناوب هست که علاوه بر دارا بودن مفهوم دوسوییگی متقارن و همزمان، فعلی دووجهی است.

(۱۲) الف. مریم رضا را همراهی کرد.

ب. *مریم و رضا همراهی کردند.

۲-۳. تناوب‌های دوسویه بدون تغییر در گذرایی فعل

تناوب‌هایی که در این بخش بررسی می‌شوند، تغییری در گذرایی فعل ایجاد نمی‌کنند. افعالی که در انواع تناوب‌های این بخش شرکت می‌کنند، می‌توانند همراه با یک گروه حرف‌اضافه‌ای متمم با هسته‌های مختلف یا بدون گروه حرف‌اضافه‌ای حضور یابند. در افعال ناگذرا، در غیاب گروه حرف‌اضافه‌ای متمم، فاعل می‌باید یک گروه اسمی جمع^۱، یعنی دارای تعبیری گروهی باشد. در افعال گذرا، مفعول چنین وضعیتی دارد. افعال در صورت گذرای این تناوب دارای یک موضوع کنش‌گرند که افعال ناگذرا فاقد آن هستند.

در گونه دوم این دسته از تناوب‌های دوسویه که فعل بدون گروه حرف‌اضافه‌ای متمم ظاهر می‌شود، محدودیت‌هایی بر شرکت‌کنندگان اعمال می‌شود؛ شرکت‌کنندگانی که در افعال گذرا گروه اسمی مفعول جمع را می‌سازند و در افعال ناگذرا گروه اسمی فاعل جمع را می‌سازند، باید از وضعیت قابل قیاسی برخوردار باشند (Levin, 1993: 59). به نمونه‌های زیر توجه نمایید:

(۱۳) الف. ماشین با دوچرخه/ جدول تصادف کرد.

ب. ماشین و دوچرخه/*جدول با هم تصادف کردند.

^۱ collective NP

لوین این تناوب را در انگلیسی به سه نوع تقسیم کرده است: تناوب دوسویه ساده گذرا/ناگذرا، تناوب دوسویه باهم گذرا/ناگذرا و تناوب دوسویه /زهم گذرا/ناگذرا. دو نوع تناوب اخیر به علت حضور یک متمم قیدی با نقش «عبارت نتیجه‌ای»^۱ با تناوب دوسویه ساده متفاوتند. لوین عنوان می‌دارد که together و apart را به‌عنوان نماینده بخش وسیعی از عبارتهایی معرفی کرده که می‌توانند برای نشان دادن حالت ایجادشده توسط عمل فعل، به کار روند (Levin, 1993: 62). در فارسی نیز «باهم» به نمایندگی از «به هم» و «درهم» معرفی می‌شود. ساخت تناوبی در این تناوب‌ها عبارتند از:

ساخت‌های تناوبی در انواع تناوب‌های دوسویه گذرا:

گروه اسمی ۱ (کنش‌گر) + گروه اسمی ۲ (کنش‌پذیر ۱) + گروه حرف‌اضافه‌ای [حرف‌اضافه + گروه اسمی ۳] (کنش‌پذیر ۲) + فعل

گروه اسمی ۱ (کنش‌گر) + گروه اسمی [گروه اسمی ۲ + و + گروه اسمی ۳] (کنش‌پذیر) + — /باهم /ازهم + فعل

تناوب دوسویه ساده گذرا:

(۱۴) الف. آشپز زرده را از سفیده تخم‌مرغ جدا کرد.

ب. آشپز زرده و سفیده را جدا کرد.

تناوب دوسویه باهم گذرا:

(۱۵) الف. زنان را با مردان علوی وصلت داد.

ب. زنان و مردان علوی را باهم وصلت داد.

^۱ resultative construction

تناوب دوسویۀ ازهم گذرا:

(۱۶) الف. آشپز زرده را از سفیده تخم مرغ جدا کرد.

ب. آشپز زرده و سفیده را ازهم جدا کرد.

ساخت‌های تناوبی در انواع تناوب‌های دوسویۀ ناگذرا:

گروه اسمی ۱ (کنش گر) + گروه حرف‌اضافه‌ای [حرف‌اضافه + گروه اسمی ۲] (کنش پذیر) + فعل

گروه اسمی [گروه اسمی ۱ + و + گروه اسمی ۲] (کنش گر) + ___ / باهم + فعل

تناوب دوسویۀ ساده ناگذرا:

(۱۷) الف. مریم با علی ملاقات کرد.

ب. مریم و علی ملاقات کردند.

تناوب دوسویۀ باهم ناگذرا:

(۱۸) الف. چهره‌های خودی با غیر خودی اجماع کردند.

ب. چهره‌های خودی و غیر خودی باهم اجماع کردند.

تناوب دوسویۀ ازهم ناگذرا:

(۱۹) الف. مریم از علی جدا شد.

ب. مریم و علی ازهم جدا شدند.

در این بخش به بررسی تک‌تک تناوب‌های دوسویۀ معرفی شده توسط لوین خواهیم پرداخت. در ادامه، علاوه بر این تناوب‌ها، دو نوع تناوب دوسویۀ در فارسی شناسایی

خواهیم کرد که عبارتند از «تناوب دوسویه زنجیری» و «تناوب دوسویه اشتراکی». این دو تناوب در فهرست تناوب‌های لوین ذکر نشده‌اند.

۳-۲-۱. تناوب دوسویه ساده: (گذرا)

این تناوب در انگیسی بین دو ساخت زیر رخ می‌دهد:

'NPI V NP2 [pp P NP3] '
'NPI V [NP NP2 and NP3]

- (20) a. I confused Maria with Anna.
b. I confused Maria and Anna. (Levin, 1993: 60)

و در فارسی بین دو ساخت زیر مشاهده می‌شود:

«گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲ + گروه حرف‌اضافه‌ای [حرف اضافه + گروه اسمی ۳] + فعل»
«گروه اسمی ۱ + گروه اسمی [گروه اسمی ۲ و گروه اسمی ۳] + فعل»

گروه اسمی ۱ در دو گونه تناوب با نقش معنایی «کنش‌گر» و نقش دستوری «فاعل» بدون تغییر باقی می‌ماند، اما در گونه اول تناوب، فعل دارای دو نقش معنایی هم‌تراز «کنش‌پذیر ۱» و «کنش‌پذیر ۲» است که «کنش‌پذیر ۱» به‌عنوان مفعول مستقیم فعل در جمله حضور دارد و «کنش‌پذیر ۲» به‌عنوان مفعول حرف‌اضافه‌ای. در گونه دوم تناوب، دو کنش‌پذیر در قالب یک گروه اسمی جمع حضور دارند (Mousser, 2013: 123). به اعتقاد نگارندگان و با قیاس این تناوب و تناوب مفعول دوسویه قابل‌درک، شاید بتوان نام این تناوب را «متمم دوسویه قابل‌درک» نیز نامید، زیرا در گونه دوم این تناوب نیز معنی فعل دربردارنده معنی متمم قیدی مستتر «باهم/ازهم/به هم/ درهم» است. طبق بررسی‌های نگارندگان،

این تناوب در فارسی جز در افعال معدودی مثل افعال زیر مشاهده نشد و فارسی ترجیح می‌دهد که مفهوم دو سویگی را با این که مفهوم فعل متضمن آن است، با عنصر دیگری در گونه دوم تناوب نشان دهد و آن همان متمم‌های قیدی مذکور است (ر.ک ۳-۲-۳). افعال شرکت‌کننده در این تناوب عبارتند از:

افعال گسستنی: جدا کردن.

(۲۱) الف. آشپز زرده را از سفیده تخم‌مرغ جدا کرد.

ب. آشپز زرده و سفیده را جدا کرد.

ج. آشپز زرده و سفیده را از هم جدا کرد.

افعال پیوندی: شبکه کردن.

(۲۲) الف. کامپیوتر خودم را با کامپیوتر همکارم شبکه کردم.

ب. کامپیوتر خودم و همکارم را شبکه کردم.

ج. کامپیوتر خودم و همکارم را به هم شبکه کردم.

افعال ترکیبی: درهم‌آمیختن، ترکیب کردن، مخلوط کردن.

(۲۳) الف. من شیر را با شکر درهم آمیختم.

ب. من شیر و شکر را درهم آمیختم.

*ج. من شیر و شکر را با هم درهم آمیختم.

افعال سنجیدنی: همانندسازی کردن، مشابه‌سازی کردن.

(۲۴) الف. برخی از هواداران، کارزار مسابقه را به عرصه جنگ همانندسازی کردند.

ب. برخی از هواداران، کارزار مسابقه و عرصه جنگ را همانندسازی کردند.

*ج. برخی از هواداران، کارزار مسابقه و عرصه جنگ را با هم همانندسازی کردند.

لازم به ذکر است که برخی از افعال این فهرست، مانند افعال «شبکه‌کردن»، «جداکردن»، «ترکیب‌کردن» و «مخلوط‌کردن» افعالی‌اند که حضور متمم قیدی «باهم» و «ازهم» را نیز مجاز می‌دانند و در تناوب‌های «دوسویه باهم» و «دوسویه ازهم» نیز حضور دارند. این افعال در تناوب دوسویه ساده بدون کاربرد عناصر فوق نیز جمله غیرقابل قبولی نمی‌سازند. به عبارت دیگر، حضور متمم قیدی در کنار این افعال، حشو نیست، اما افعالی مانند «درهم‌آمیختن»، «همانندسازی‌کردن» و «مشابه‌سازی‌کردن» افعالی‌اند که تنها در ساخت تناوب دوسویه ساده حضور می‌یابند و حضور متمم قیدی در ساخت تناوبی این افعال حشو قلمداد می‌شود. این افعال همزمان دارای مؤلفه معنایی حالت و نتیجه هستند و نیازی به بیان عبارت نتیجه‌ای از طریق عنصری زائد در جمله ندارند؛ برای نمونه، فعل «درهم‌آمیختن» علاوه بر مؤلفه معنایی حالت (آمیختن)، به علت دارا بودن پیشوند «درهم» مؤلفه معنایی «نتیجه» را هم داراست، از این‌رو نیازی به بیان متمم‌های قیدی برای بیان مؤلفه نتیجه عمل ندارد.

۲-۲-۳. تناوب دوسویه ساده: (ناگذرا)

این تناوب در انگلیسی بین دو ساخت زیر:

'NP 1 V (pp P NP2)'
'[NP NP 1 and NP2] V '

و در فارسی نیز بین دو ساخت زیر رخ می‌دهد:

«گروه اسمی ۱ + گروه حرف‌اضافه‌ای [حرف اضافه + گروه اسمی ۲] + فعل»
«گروه اسمی [گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲] + فعل».

(25) a. The oil separated from the vinegar.

b. The oil and vinegar separated. (Levin, 1993, p. 63)

(۲۶) الف. مریم با علی ملاقات کرد.

ب. مریم و علی ملاقات کردند.

گروه اسمی ۱ فاعل جمله با نقش معنایی کنش گر است که در گونه دوم تناوب با گروه اسمی ۲ با نقش متمم گروه حرف اضافه‌ای و نقش معنایی کنش پذیر ترکیب شده و به عنوان یک فاعل جمع با نقش معنایی کنش گر در گونه دوم تناوب حضور می‌یابد. همان‌طور که عنوان شد، این تناوب از دسته تناوب‌هایی است که در گذرایی فعل تغییری ایجاد نمی‌کند. فعل در هر دو گونه تناوب دارای یک موضوع اصلی است که همان فاعل (کنش گر) جمله است. افعال شرکت کننده در این تناوب از این قرارند:

افعال همراهی: همفکری کردن، همگرایی کردن، همخوانی کردن، همگامی کردن، همدستی کردن.

(۲۷) الف. چهره‌های سیاسی با چهره‌های مذهبی برای تشکیل احزاب فراگیر همفکری کنند.

ب. چهره‌های سیاسی و مذهبی برای تشکیل احزاب فراگیر همفکری کنند.

افعال تعامل اجتماعی: ملاقات کردن.

۳-۲-۳. تناوب دوسویه باهم: (گذرا)

در این تناوب‌ها، تناوب بین دو ساختی رخ می‌دهد که مانند تناوب دوسویه ساده گذرا، گروه حرف اضافه‌ای متمم گونه اول تناوب، در گونه دوم تناوب در جایگاه مفعولی (در افعال گذرا) به صورت اسم جمع حضور می‌یابد. این تناوب در انگلیسی در دو ساخت زیر ظاهر می‌شوند:

NP 1 V NP2 [PP P NP3]'

'NP1 V [NP NP2 and NP3] together'

(28) a. I creamed the sugar into the butter.

b. I creamed the sugar and the butter together.

تنها تفاوت این تناوب (و تناوب دوسویه ازهم) با تناوب دوسویه ساده وجود عبارات نتیجه‌ای است که بیانگر نتیجه عمل فعل‌اند؛ به عبارت دیگر، بیان آشکار مفهوم دوسویگی از طریق متمم‌های قیدی «باهم» (و «ازهم» در تناوب دوسویه ازهم) صورت می‌گیرد که به‌عنوان نماینده‌هایی از عبارات بیانگر نتیجه عمل به کار می‌روند.

این تناوب در فارسی بین دو ساخت زیر رخ می‌دهد:

«گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲ + گروه حرف‌اضافه‌ای [حرف اضافه + گروه اسمی ۳] + فعل»

«گروه اسمی ۱ + گروه اسمی [گروه اسمی ۲ و گروه اسمی ۳] + باهم/بههم/ درهم + فعل»

عبارات قیدی باهم/ به هم/ درهم که بیان‌کننده حالتی هستند که به واسطه عمل فعل حاصل شده است، به گفته لوین، با افعالی از نوع «ترکیب کردن» به کار می‌روند. این افعال مؤلفه حالت را دارند، اما فاقد مؤلفه نتیجه‌اند.

به لحاظ مفهومی، افعال شرکت‌کننده در این تناوب یا بیانگر «ترکیب، پیوند یا همراهی» دو مفعول (طبقه افعال ترکیبی، پیوندی، همراهی، ازدواجی) و یا بیانگر سنجش دو مفعول‌اند (افعال سنجیدنی، طبقه‌بندی). لوین افعالی را که در این تناوب شرکت می‌کنند با توجه به حروف‌اضافه گروه‌بندی کرده است. ما نیز به

پیروی از وی همین شیوه را در پیش گرفتیم. افعال شرکت کننده در این تناوب به تفکیک حروف اضافه متممی ازین قرارند:

حروف اضافه «با»:

افعال پیوندی: اتصال دادن، ارتباط دادن، شبکه کردن، جفت کردن.

(۲۹) الف. محققان نشان دادند که می توان الکترون را با نور جفت کرد.

ب. محققان نشان دادند که می توان الکترون و نور را با هم جفت کرد.

افعال سنجیدنی: ارزیابی کردن، مقایسه کردن، قیاس کردن، سنجش کردن، سنجیدن، اندازه کردن، تراز کردن، محک زدن، مطابقت دادن، اندازه گرفتن، اندازه گیری کردن، مساوی کردن، موافق کردن، خلط کردن، اشتباه گرفتن، فرق گذاشتن، فرق گذاردن، تنظیم کردن، جوریدن.

(۳۰) الف. کتابخانه های دانشگاهی داخلی را با شش کتابخانه دانشگاهی هلند مقایسه و

ارزیابی کردند.

ب. کتابخانه های دانشگاهی داخلی و شش کتابخانه دانشگاهی هلند را با هم مقایسه

و ارزیابی کردند.

افعال طبقه بندی: دسته بندی کردن، طبقه بندی کردن، گروه بندی کردن.

(۳۱) الف. کتابدار کتاب های روانشناختی را با کتاب های انگیزشی طبقه بندی کرد.

ب. کتابدار کتاب های روانشناختی و کتاب های انگیزشی را با هم طبقه بندی کرد.

افعال ازدواجی: وصلت دادن، عقد کردن، نامزد کردن.

(۳۲) الف. زنان را با مردان علوی وصلت داد.

ب. زنان و مردان علوی را با هم وصلت داد.

افعال ترکیبی: ترکیب کردن، آمیختن، درآمیختن، جمع کردن، مخلوط کردن.

(۳۳) الف. آن‌ها داروی شیمی‌درمانی را با نانوذرات ترکیب کردند.

ب. آن‌ها داروی شیمی‌درمانی و نانوذرات را با هم ترکیب کردند.

افعال تعویضی: تعویض کردن، جابجا کردن، جایگزین کردن، عوض کردن، مبادله کردن، جانشین کردن.

(۳۴) الف. در نشانه شناسی می‌توان کشته شدن دیو خشکسالی را با بهار جانشین کرد.

ب. در نشانه شناسی می‌توان کشته شدن دیو خشکسالی و بهار را با هم جانشین کرد.

افعال همراهی: پیش‌بردن، همراه کردن، شرکت‌دادن، شریک کردن، مشارکت‌دادن، مواجه کردن، روانه کردن، روانه‌نمودن.

(۳۵) الف. می‌شود ورزش را با تحصیل پیش برد.

ب. می‌شود ورزش و تحصیل را با هم پیش برد.

افعال رویارویی: درافکندن.

حروف اضافه «به»:

افعال پیوندی: اتصال‌دادن، ارتباط‌دادن، متصل کردن، وصل کردن، پیوند‌دادن،

پیوستن، ملحق کردن، سنجاق کردن، گره‌دادن، گره‌زدن، پیچیدن، تنیدن، بافتن،

پیچاندن، تاباندن، تاب‌دادن (پیچاندن)، رشتن، رسیدن، چسباندن.

(۳۶) الف. سر سیم را به باطری می‌چسبانیم.

ب. سر سیم و باطری را به هم می‌چسبانیم.

افعال ترکیبی: آغشتن، آلودن.

(۳۷) الف. آن‌ها که ایمان را به شجاعت آغشتند و پیش‌رفتند.

ب. آن‌ها که ایمان و شجاعت را به هم آغشتند و پیش‌رفتند.

افعال تماسی: ساییدن.

(۳۸) الف. سنگ سفید را به سنگ سیاه بسایید.

ب. سنگ سفید و سنگ سیاه را به هم بسایید.

افعال تعویضی: تغییر دادن.

(۳۹) الف. می توان با فشردن کلید. Q، mil. را به mm. تغییر داد.

ب. می توان با فشردن کلید. Q، mil. و mm. را به هم تغییر داد.

حروف/اضافه «در»:

افعال پیوندی: چفت کردن. پیچیدن.

افعال ترکیبی: آمیختن.

(۴۰) الف. کافی است پایه سقفی را در زائده پایه دیواری چفت کرد.

ب. کافی است پایه سقفی و زائده پایه دیواری را در هم چفت کرد.

۳-۲-۴. تناوب دوسویه باهم: ناگذرا

این تناوب بین دوساخت زیر رخ می دهد:

«گروه اسمی ۱ + گروه حرف اضافه ای [حرف اضافه + گروه اسمی ۲] + فعل»

«گروه اسمی [گروه اسمی ۱ و گروه اسمی ۲] + باهم/به هم/درهم + فعل»

در این تناوب نیز افعال با توجه به حرف اضافه انتخابی شان گروه بندی می شوند و در نهایت، طبقه افعال شرکت کننده در این تناوب معرفی می شوند. این تناوب در این طبقات فعلی مشاهده می شود: طبقه افعال تعامل اجتماعی، سنجیدن، ازدواجی، رویارویی، پیوندی، همراهی، ترکیبی، تعویضی، تماسی.

حروف اضافه «با»:

افعال تعامل/اجتماعی: گفتمان کردن، مباحثه کردن، مجالست کردن، مذاکره کردن، مراوده کردن، مصاحبت کردن، معاشرت کردن، معامله کردن، مکالمه کردن، مناظره کردن، ملاقات داشتن، ملاقات کردن، دیدار کردن، اجتماع کردن، اجماع کردن، ازدحام کردن، ائتلاف کردن، آمدوشد کردن، گفتگو کردن، رایزنی کردن، اختلاط کردن، بحث کردن، بحث نمودن، قرارگذارن، قرار گذاشتن، هم‌اندیشی کردن، قرارداد داشتن، قرارداد بستن، تسویه حساب کردن، تسویه کردن، مشاعره کردن، شرط‌بندی کردن، مجادله کردن، مجامعت کردن.

(۴۱) الف. می‌دانید که چهره‌های خودی با غیر خودی اجماع کردند.

ب. می‌دانید که چهره‌های خودی و غیر خودی با هم اجماع کردند.

افعال سنجیدنی: مطابقت پیدا کردن، مطابقت یافتن، مطابقت داشتن، مطابقت کردن، هماهنگی کردن، مطابقه کردن، سازگاری کردن، اشتراک پیدا کردن، اشتراک یافتن، فرق کردن، تفاهم داشتن، توافق کردن، توافق نمودن.

(۴۲) الف. در زبان فرانسه و لاتین صفت با موصوف مطابقت می‌کند.

ب. در زبان فرانسه و لاتین صفت و موصوف با هم مطابقت می‌کنند.

افعال ازدواجی: متار که کردن، وصلت کردن، عقد کردن، به هم زدن، ازدواج کردن، نزدیکی کردن، زندگی کردن، زیستن، جماع کردن، هم خوابگی کردن، هم‌آغوشی کردن، مباشرت کردن، عروسی کردن.

(۴۳) الف. زن با همسرش متار که کرد.

ب. زن و مرد با هم متار که کردند.

افعال رویارویی: جنگیدن، مسابقه دادن، مسابقه گذاشتن، مصاف کردن، مناظره کردن، جنگ کردن، نزاع کردن، کشمکش کردن، کشتی گرفتن.

(۴۴) الف. جودوکار اماراتی با حریف فلسطینی مسابقه داد.

ب. جودوکار اماراتی و حریف فلسطینی با هم مسابقه دادند.

افعال پیوندی: ارتباط برقرار کردن، ارتباط داشتن، تماس حاصل کردن، تماس حاصل نمودن، تماس برقرار کردن، اتحاد پیدا کردن، اتحاد کردن، اتحاد یافتن، اتحاد داشتن، چسبیدن.

(۴۵) الف. پیرزن بالاخره با دخترش تماس برقرار کرد.

ب. پیرزن و دخترش بالاخره با هم تماس برقرار کردند.

افعال همراهی: مشارکت کردن، شرکت کردن، شرکت داشتن، شرکت جستن، شرکت پیدا کردن، شراکت کردن، پیش رفتن، همراه شدن، مصادف شدن، مجاورت کردن، سفر کردن، قدم زدن، گشت و گذار کردن، گشت زنی کردن، گشت زدن، گردش کردن، تجمع کردن، قد کشیدن، دویدن.

افعال ترکیبی: درآمیختن.

افعال تعویضی: مبادله داشتن.

افعال برخوردی: تصادف کردن، تصادم کردن، برخوردن، برخورد کردن.

حرف اضافه «به»:

افعال پیوندی: پیچیدن، تنیدن، پیوستن، ملحق شدن، تابیدن، اتصال پیدا کردن، اتصال یافتن، گره خوردن، چسبیدن.

افعال ترکیبی: آغشتن، آلودن

افعال سنجیدنی: (به هم) آمدن (جوریدن).

(۴۶) الف. رنگ سبز به رنگ خردلی می‌آید.

ب. رنگ سبز و خردلی به هم می‌آیند.

افعال تعویضی: تغییر کردن.

حرف/اضافه «در»:

افعال پیوندی: پیچیدن، آمیختن.

۳-۲-۵. تناوب دوسویه ازهم: گذرا

این تناوب در انگلیسی بین دو ساخت 'NP1 V و 'NP 1 V NP2 [pp P NP3] 'NP1 V و 'NP 1 V NP2 [pp P NP3] apart و در فارسی بین دو ساخت زیر رخ می‌دهد:

«گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲ + گروه حرف‌اضافه‌ای [حرف‌اضافه + گروه اسمی ۳] + فعل»

«گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲ و گروه اسمی ۳] + از هم + فعل»

همان‌طور که در دو بخش پیشین نیز عنوان شد، تفاوت این تناوب‌ها با تناوب دوسویه ساده، حضور متمم قیدی برای بیان نتیجه عمل فعل است. در این تناوب متمم قیدی مذکور، در انگلیسی «*apart*» و در فارسی «ازهم» است.

(47) a. I broke the twig off (of) the branch.

b. I broke the twig and the branch *apart*.

به‌لحاظ مفهومی این افعال، بیانگر «ازدست‌رفتن انسجام، گسستن یا جابجایی» دو مفعولی است که در رویداد شرکت دارند (طبقه افعال گسستی)، اما در افعالی از طبقه سنجیدنی هم مشاهده می‌شود که بیانگر «وجود تفاوت» بین دو مفعول است.

حروف اضافه «از»:

افعال گسستنی: شکافتن، فاصله‌دادن، گسستن، گسیختن، جدا کردن.

(۴۸) الف. امام حسین (ع) حق را از باطل جدا کرد.

ب. امام حسین (ع) حق و باطل را از هم جدا کرد.

افعال سنجیدنی: فرق گذاردن، فرق گذاشتن، تشخیص دادن، نمونه‌برداری کردن، کپی‌برداری کردن، کپی کردن.

(۴۹) الف. برخی اصرار دارند که زیبایی‌شناسی را باید از فلسفه هنر فرق گذاشت.

ب. برخی اصرار دارند که زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر را باید از هم فرق گذاشت.

۳-۲-۶. تناوب دوسویه از هم: ناگذرا

این تناوب در انگلیسی بین این دو ساخت:

'NP I V [pp P NP2]

'NP[NP1 and NP2] V apart'

(50) a. The twig broke off (of) the branch.

b. The twig and the branch broke *apart*.

و در فارسی بین دو ساخت زیر رخ می‌دهد:

«گروه اسمی ۱ + گروه حرف‌افزای [حرف اضافه + گروه اسمی ۲] + فعل»

«گروه اسمی [گروه اسمی ۱ و گروه اسمی ۲] + از هم + فعل»

این تناوب در افعال زیر مشاهده می‌شود:

حرف اضافه «از»:

افعال گسستنی: شکافتن، شکاف خوردن، گسستن، گسیختن، کناره‌جستن، کناره‌گرفتن، کناره‌گیری کردن، دوری کردن، فاصله‌گرفتن.

(۵۱) الف. تار از پود شکافت/گسست.

ب. تار و پود از هم شکافت/گسست.

افعال/زدواجی: ، جداشدن (طلاق)، طلاق‌گرفتن.

۷-۲-۳. تناوب دوسویه زنجیری: (گذرا)

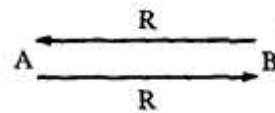
تناوب دوسویه زنجیری از جمله تناوب‌هایی است که لوین در فهرست خود به آن اشاره‌ای نکرده است. این تناوب افعالی را شامل می‌شود که در تناوب‌های دوسویه مطرح‌شده، با وجود دارا بودن مفهوم دوسویگی به علت عدم تقارن و همزمانی شرکت نمی‌کردند.

(۵۲) الف. علی مریم را بغل کرد/مریم علی را بغل کرد.

ب. علی و مریم همدیگر را بغل کردند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ساخت تناوبی فوق، شباهت بسیاری به ساخت مفعول دوسویه قابل درکی دارد که در بخش ۳-۱ معرفی شد، اما این تناوب بدون تغییر در گذرایی فعل رخ می‌دهد و عدم حضور ضمیر «همدیگر» در گونه دوم تناوب در ساخت اول موجب غیردستوری شدن جمله می‌شود. علاوه بر این، تفاوت معنایی افعال شرکت‌کننده در این تناوب که همان غیرهمزمانی دوسویگی در فعل است، نگارندگان را بر این داشت تا این تناوب را در دسته تناوب‌های زنجیری قرار دهند. تناوب زنجیری را از مفهوم دوسویگی زنجیری که لیختن‌برک معرفی کرده است، گرفتیم. پیش از بیان ادعای لیختن‌برک لازم است بین

موقعیت‌های دوسویه، ساختارهای دوسویه و تناوب‌های دوسویه تمایز قائل شویم. موقعیت‌ها، اشاره به مفاهیم معنایی واقعی در جهان خارج دارند که بنا بر انواع خاص روابط شرکت‌کننده‌ها با هم یا با دیگران تعریف می‌شوند. در این دیدگاه، یک موقعیت دوسویه که متشکل از یک رویداد واحد است، شامل دو رابطه است که در آن هر کدام از شرکت‌کنندگان دارای دو نقش‌اند (شکل ۱). ساختارهای دوسویه اشاره به ابزارهای ساختاری زبان‌ویژه برای بیان موقعیت‌هایی دارد که بیانگر رابطه‌ای دوسویه بین شرکت‌کنندگان است:

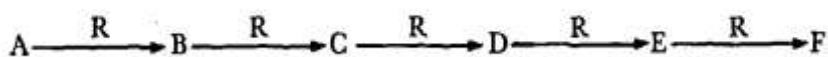


شکل (۱): موقعیت دوسویه

تمایز بین ساختارها و موقعیت‌ها از این نظر حائز اهمیت است که در بسیاری از زبان‌ها رابطه بین این دو، متناظر و یک‌به‌یک نیست. موقعیت دوسویه لزوماً نیاز به ساختاری دوسویه ندارد و عکس این مسأله نیز صادق است؛ ساختاری دوسویه ممکن است موقعیت‌هایی غیر از موقعیت‌های دوسویه را نیز بیان کند و ممکن است در زبانی چندین نوع موقعیت جهان واقعی توسط ساختار دوسویه بیان شود و ساختار دوسویه کارکردهای چندگانه داشته باشد. یکی از این موقعیت‌ها یا به عبارتی یکی از کارکردهای چندگانه ساختار دوسویه، موقعیت زنجیری است. (Lichtenberk, 1985: 20-25) که بیانگر روابطی بین شرکت‌کنندگان است که به طور زنجیری رخ می‌دهد.

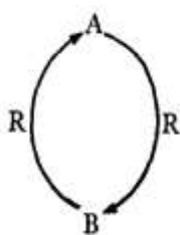
^۱. منظور از نقش در توصیف رویداد دوسویه، نقش معنایی نیست، صرفاً مشارکت شرکت‌کننده در رابطه مدنظر است.

! situation



شکل (۲): موقعیت زنجیری

تنها زمانی که این موقعیت به موقعیت دوسویه شبیه می‌شود، زمانی است که موقعیت مذکور دو شرکت کننده داشته باشد و این دو در یک رابطه زنجیری دایره‌وار بسته حضور داشته باشند (جمله ۵۳):



شکل (۳): موقعیت زنجیری دوسویه

(۵۳) این دو سرباز همدیگر را دنبال می‌کنند.

از این رو، در تناوب زنجیری، تنها افعالی شرکت می‌کنند که علاوه بر مفهوم دوسوییگی، بیانگر مفهوم غیرهمزمانی و زنجیری دوسوییگی نیز هستند. افعالی که در گونه گذرای این تناوب شرکت دارند عبارتند از برخی از افعال «طبقه تعامل اجتماعی» (برای درک بهتر این مفهوم در رابطه با افعال تعامل اجتماعی ذکر شده در زیر ر.ک مبحث فعل «بغل کردن» در بخش ۳-۱)؛ افعال شرکت کننده در این تناوب با ساخت‌های تناوبی زیر عبارتند از:

گروه اسمی (کنش گر) + ۱ گروه اسمی ۲ همرا با را (کنش پذیر) + فعل

[گروه اسمی ۱+ گروه اسمی ۲] (کنش گر)+ همدیگر همراه با را + فعل

افعال تعامل اجتماعی (برخی): بغل کردن، درآغوش گرفتن، بوسه دادن، دیدن (ملاقات کردن)، همراهی کردن، گم کردن.

الف. (۵۴) علی مریم را همراهی کرد.

ب. علی و مریم همدیگر را همراهی کردند.

علاوه بر ساخت‌های تناوبی فوق، این تناوب بین دو ساخت زیر نیز رخ می‌دهد:

گروه اسمی ۱+ گروه اسمی ۲+ گروه حرف‌افزای [حرف اضافه+ گروه اسمی ۳] + فعل

گروه اسمی ۱+ [گروه اسمی ۲+ گروه اسمی ۳] + باهم + فعل

ساخت تناوبی فوق، همان ساخت تناوب دوسویه باهم گذرا است. همان‌طور که عنوان شد، تفاوت این تناوب با تناوب‌هایی که پیشتر معرفی کردیم، در غیرهمزمانی و یا به عبارتی رخداد متوالی و زنجیری عمل فعل است. افعالی در این تناوب شرکت می‌کنند که متضمن مفهوم دوسویگی‌اند، اما این دوسویگی به طور زنجیری و متوالی بین شرکت‌کنندگان در عمل فعل در جریان است. افعال شرکت‌کننده در ساختار تناوبی دوم این تناوب عبارتند از:

• افعال تعامل اجتماعی (برخی): آشناکردن، آشتی دادن.

الف. (۵۵) مادر دختر را با پسر آشتی داد/ مادر پسر را با دختر آشتی داد.

ب. مادر دختر و پسر را با هم آشتی داد.

۳-۲-۸. تناوب دوسویه زنجیری: (ناگذرا)

ساخت تناوبی این تناوب نیز همانند ساخت ظرفیتی تناوب دوسویه باهم ناگذرا است:

گروه اسمی ۱+ گروه حرف‌اضافه‌ای [حرف اضافه+ گروه اسمی ۲] + فعل
 [گروه اسمی ۱+ گروه اسمی ۲] + باهم / به هم + فعل
 (۵۶) الف. علی با مریم مکاتبه کرد/مریم با علی مکاتبه کرد.
 ب. علی و مریم با هم مکاتبه کردند.

در مثال فوق، با این‌که از جمله (۵۶ ب) مفهوم دوسویگی «مکاتبه کردن» استنباط می‌شود، اما مکاتبه کردن مریم با علی و مکاتبه کردن علی با مریم قطعاً همزمان صورت نگرفته است و فاصله زمانی بین آن‌ها وجود داشته است. بنابراین، در این تناوب نیز عمل دوسویگی همزمان بین دو شرکت‌کننده در کنش انجام نمی‌شود و این رابطه می‌تواند به طور متوالی یا با فاصله زمانی انجام پذیرد. افعالی که در این تناوب شرکت می‌کنند عبارتند از:

- افعال رقابتی: رقابت داشتن، رقابت کردن.

(۵۷) الف. سامان با ساسان رقابت کرد. ساسان با سامان رقابت کرد.
 ب. سامان و ساسان با هم رقابت کردند.

- افعال مکاتبه‌ای: مکاتبه کردن.

- افعال تعامل اجتماعی: آشنایی دادن، آشتی کردن.

- افعال ازدواجی: عشق‌بازی کردن، معاشقه کردن.

۹-۲-۳. تناوب دوسویه اشتراکی: (گذرا)

این تناوب همانند تناوب دوسویه باهم و تناوب دوسویه ازهم بین دو ساخت زیر رخ می‌دهد، با این تفاوت که درگونه دوم تناوب فقط متمم قیدی «باهم» و «ازهم» حضور دارد:

«گروه اسمی ۱ + گروه اسمی ۲ + گروه حرف اضافه‌ای [حرف اضافه + گروه اسمی ۳] + فعل»

«گروه اسمی ۱ + گروه اسمی [گروه اسمی ۲ + گروه اسمی ۳] + باهم / از هم + فعل»

در این تناوب ساختارهایی شرکت می‌کنند که به علت دارا بودن یک ویژگی خاص یا ازدست‌دادن ویژگی مذکور، در رابطه دوسویه با هم قرار می‌گیرند.
«طبقه‌بندی کردن»:

(۵۸) الف. کتابدار کتاب‌های روان‌شناختی را با کتاب‌های انگیزشی طبقه‌بندی کرد.

ب. کتابدار کتاب‌های روان‌شناختی و کتاب‌های انگیزشی را باهم طبقه‌بندی کرد.

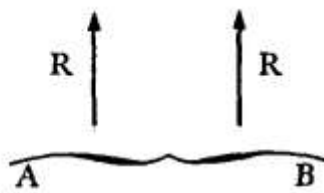
«بسته‌بندی کردن»:

(۵۹) الف. *مادر وسایل چینی و پیرکس را با هم بسته‌بندی کرد.

ب. مادر وسایل چینی را با پیرکس بسته‌بندی کرد.

اگر شی x با شی y در یک طبقه قرار بگیرند، مسلماً x و y دارای اشتراکاتی هستند که باعث شده فعل «طبقه‌بندی کردن» مفهوم دوسویگی را بیان کند. در رابطه با فعل بسته‌بندی کردن، این دو جمله با این که دو جمله کاملاً قابل قبول اند، اما به این علت که بیانگر مفهوم دوسویگی در معنای مدنظر پژوهش حاضر نیستند در تناوب شرکت نمی‌کنند، زیرا فعل «بسته‌بندی کردن» به وجود ویژگی مشترک بین دو شی اشاره ندارد، پس نمی‌تواند فعلی دوسویه در مفهوم تناوبی باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، افعال شرکت‌کننده در این تناوب افعالی‌اند که در تناوب دوسویه باهم شرکت داشتند. بنابراین، این تناوب را می‌توان زیرمجموعه‌ای از تناوب دوسویه باهم دانست که مفهوم دوسویگی، دربردارنده ویژگی مشترکی در اعضا نیز است. موقعیت اشتراکی را می‌توان به شکل زیر نمایش داد. از آنجا که در موقعیت اشتراکی شرکت‌کنندگان مشترکاً در موقعیت شرکت دارند، می‌توان ادعا

کرد که هر شرکت‌کننده دو نقش دارد: یکی اجراکننده فعالیت و دیگری همراهی با دیگر شرکت‌کنندگان. شرط همزمانی برای شرکت در این تناوب الزامی است. در واقع، مفهوم همزمانی در تناوب دوسویه اشتراکی مستتر است.



شکل (۴): موقعیت اشتراکی

افعال شرکت‌کننده در این تناوب عبارتند از:

حروف اضافه «با»:

افعال طبقه‌بندی: طبقه‌بندی کردن، گروه‌بندی کردن، دسته‌بندی کردن، قاب‌بندی کردن، قالب‌بندی کردن، قالب‌زدن، قالب‌گیری کردن.

(۶۰) الف. کتابدار کتاب‌های روان‌شناختی را با کتاب‌های انگیزشی طبقه‌بندی کرد.

ب. کتابدار کتاب‌های روان‌شناختی و کتاب‌های انگیزشی را با هم طبقه‌بندی کرد.

افعال سنجیدنی: سنجش کردن، سنجیدن، فرق گذاشتن، اندازه‌کردن، تراز کردن، محک‌زدن، مشابه‌سازی کردن، مطابقت‌دادن، همانندسازی کردن، اندازه‌گرفتن، اندازه‌گیری کردن، خلط کردن، ارزش‌گذاری کردن، ارزش‌گذاشتن، ارزش‌نهادن، مطابقت‌کردن، مساوی کردن.

(۶۱) الف. سونوگرافیک ترانس تیروئید را با سوپراتیروئید مطابقت دادیم.

ب. سونوگرافیک ترانس تیروئید و سوپراتیروئید را با هم مطابقت دادیم.

افعال پیوندی: جفت کردن، چفت کردن، شبکه کردن، مشارکت دادن.

افعال همراهی: همراه کردن، شرکت دادن، شریک کردن.

افعال تعویضی: جابه‌جا کردن، جانشین کردن، عوض کردن، مبادله داشتن.

حروف اضافه «از»:

افعال سنجیدنی: کپی کردن، کپی برداری کردن، نمونه‌برداری کردن، فرق گذاشتن، فرق گذاردن.

(۶۲) الف. برند X، طرح گوشی سری A را از طرح گوشی سری J کپی برداری می‌کند.

ب. برند X، طرح گوشی سری A و گوشی سری J را از هم کپی برداری می‌کند.

۳-۲-۱۰. تناوب دوسویه اشتراکی (ناگذرا)

ساخت‌های تناوبی در این تناوب همانند تناوب دوسویه باهم ناگذرا هستند، با این تفاوت که افعال شرکت‌کننده در این تناوب، به علت دارا بودن /از دست دادن یک ویژگی مشترک در این تناوب حضور می‌یابند. افعالی که در این تناوب حضور دارند از طبقه افعال همراهی و افعال سنجیدنی هستند که عبارتند از:

افعال همراهی: شراکت کردن، شرکت پیدا کردن، شرکت جستن، شرکت داشتن، شرکت کردن، مشارکت کردن، مصادف شدن، همراه شدن، پیش رفتن، همدستی کردن، همگامی کردن، همفکری کردن.

(۶۳) الف. رئیس‌جمهور با معاون اول شرکت کرد تا از عملکرد دولت دفاع کنند.

ب. رئیس‌جمهور و معاون اول باهم شرکت کردند تا از عملکرد دولت دفاع کنند.

افعال سنجیدنی: مطابقت‌پیدا کردن، مطابقت‌یافتن، هماهنگی کردن، مطابقت‌داشتن، مطابقت کردن، مطابقت‌کردن، فرق کردن، اشتراک‌پیدا کردن، اشتراک‌یافتن، جوریدن.

۶۴ الف. آقای انصاری با وزارت کشور هماهنگی کردند.

ب. آقای انصاری و وزارت کشور باهم هماهنگی کردند.

افعال تعامل اجتماعی: مشاعره کردن.

۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش با الگوگیری از رویکرد لوین در شناسایی و طبقه‌بندی تناوب‌ها سعی در بررسی رفتار تناوبی افعال فارسی در خصوص انواع تناوب دوسویه داشتیم. بر این اساس، در پیکره‌ای بالغ بر ۳۰۷۰ فعل فارسی به بررسی انواع تناوب‌های دوسویه در فارسی پرداختیم. تناوب‌های دوسویه در فارسی عبارتند از تناوب مفعول دوسویه قابل درک، تناوب دوسویه ساده، تناوب دوسویه باهم، تناوب دو سویه ازهم، تناوب دو سویه زنجیری و تناوب دو سویه اشتراکی. هر کدام از این تناوب‌ها، به استثنای تناوب مفعول دو سویه قابل درک که مختص افعال گذرا است، در افعال گذرا و ناگذرا به تفکیک بررسی شد. دو نوع تناوب خاص دوسویه زنجیری و اشتراکی که در کتاب لوین اشاره‌ای نشده بود نیز در این مقاله معرفی و بررسی شد. در نهایت، طبقات افعال شرکت‌کننده در هر تناوب نیز شناسایی شد.

منابع

- شجاعی، راضیه و غلامحسین کریمی‌دوستان. (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر تناوب سببی». *دو ماهنامه جستارهای زبانی*. ۵/۶: ۲۶۱-۲۸۳.
- صفری، علی و غلامحسین کریمی‌دوستان. (۱۳۹۰). «اثر کلی/جزئی بر تناوب مکانی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)*. ۱/۳: ۷۷-۹۹.
- صفری، علی و غلامحسین کریمی‌دوستان. (۱۳۹۲). «تناوب سببی در فارسی». *پژوهش‌های زبانی*. ۱/۴: ۷۵-۹۴.
- صفری، علی. (۱۳۹۵). «تناوب مکانی در زبان فارسی: رویکردی ساخت‌مند». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. سال، ۱۱/۶: ۳۵-۵۸.
- طیب‌زاده، امید. (۱۳۹۳). «تناوب‌های «آغازی/سببی» و «معلوم/مجهول» در زبان فارسی». *ادب پژوهی*. ۳۰: ۲۸-۹.
- طیب‌زاده، امید. (۱۳۹۵ الف). «تناوب‌های گذرایی در فارسی؛ تحقیقی براساس آراء بت لوین». *جستارهای زبانی*. ۳۰/۷: ۱۶۵-۱۸۵.
- طیب‌زاده، امید. (۱۳۹۵ ب). «درآمدی بر تناوب‌های موضوعی افعال در واژگان زبان فارسی؛ تحقیقی براساس آراء بت لوین». *یادنامه استاد هرمز میلانیان*، تهران: هرمس.
- قیاسوند، مریم. (۱۳۹۴). «تناوب‌های فاعل فرعی در فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. ۹/۵: ۸۵-۱۰۱.
- Beck, S. (2001). Reciprocals are definites. *Natural Language Semantics*. ۹/۱: ۶۹-۱۳۸.

- Levin, B. (1993). *English Verb Classes and Alternations: A Preliminary Investigation*. Chicago: University of Chicago Press.
- Levin, B. (2015). Semantics and pragmatics of argument Alternations. *Annual Review of Linguistics*, 1/1: 63-83 .
- Lichtenberk, F. (1985). Multiple uses of reciprocal constructions. *Australian Journal of Linguistics*, 5/1: 19-41 .
- Mousser, J. (2013). *A large coverage verb lexicon for Arabic*. (Doctoral Dissertation). University of Konstanz.
- Sung, L. M. (2006). *Verbal reflexives/reciprocals in (some) Formosan languages*. Paper presented at the Tenth International Conference on Austronesian Linguistics.
- Winter, Y. (2018). Symmetric predicates and the semantics of reciprocal alternations. *Semantics and Pragmatics*, 11:1-47.